

نشریه علمی - پژوهشی
پژوهشنامه ادبیات تعلیمی
سال پنجم، شماره نوزدهم، پاییز ۱۳۹۲، ص ۱-۲۸

بررسی جایگاه تشبیه و تمثیل در اندیشه‌های تعلیمی سعدی

دکتر حسین آقاحسینی* - دکتر الهام سیدان**

چکیده

سعدی شیرازی از بزرگ‌ترین شاعران اندرزگو و حکمت‌سرای ادب فارسی است که قسمت عمده‌ای از آثار خود را به بیان اندیشه‌های تعلیمی اختصاص داده است. علاوه بر بوستان و گلستان که از آثار تعلیمی سعدی محسوب می‌شود، وی در بسیاری از غزلیات و قصاید خود هم به مسائل تعلیمی گریز می‌زند و در این راه به نحو مؤثر و کارآمدی از ابزارهای بلاغی بهره می‌برد. تشبیه از کارآمدترین ابزارهای بلاغی است که وی به مناسبت‌های مختلف و به شیوه‌های گوناگون با استفاده از آن به ابلاغ پیام اخلاقی خود می‌پردازد. کاربرد تشبیه در اشعار سعدی با ظرافت‌ها و لطایف بیانی بسیاری همراه است. سعدی تشبیه را با شگردهای بیانی مختلفی مانند ذکر مشبه به پیش از مشبه، استفاده از مشبه به‌های محسوس و ملموس برای نشان دادن محاسن فضایل و

* استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان h.aghahosaini@litr.ui.ac.ir

** دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان elhamsaiedan@yahoo.com

تاریخ پذیرش ۹۲/۳/۲۲

تاریخ وصول ۹۱/۱۱/۱۴

معایب رذایل اخلاقی و نیز رعایت تناسب لفظی بین مشبه و مشبه‌به وارد مرحله تازه‌ای می‌کند. بسیاری از شگردهای وی در استفاده از تشبیه و تمثیل در نوع خود کم نظیر است. در این پژوهش به منظور آشکار شدن اهمیت تشبیه و چگونگی کاربرد این صنعت ادبی در اشعار سعدی به بررسی انواع تشبیه و جایگاه خاص آن در تعلیم پرداخته، لطایف و ظرایف این تصویر هنری کاویده می‌شود.

واژه‌های کلیدی

تعلیم، شعر تعلیمی، سعدی، تشبیه، تمثیل، ارسال‌المثل.

۱- مقدمه

آثار شاعران را بر مبنای نوع اندیشه و موضوعات مطرح شده در شعر آنان به انواعی تقسیم کرده‌اند. نوع تعلیمی یکی از شاخه‌های پر بار انواع ادبی است که در ادب تمامی کشورها ظهور و نمودی ویژه دارد. اشعار تعلیمی به طور کلی به آثاری اطلاق می‌شود که هدف سراینده و گوینده آن تشریح و تبیین مسایل اخلاقی و اندیشه‌های مذهبی، حکمی و مضامین پندگونه است (یلمه‌ها، ۱۳۹۰: ۱۵۴). شعر تعلیمی در ادب فارسی هم دارای بهترین نمونه‌هاست و بخش عمده‌ای از ادب متعالی فارسی را شامل می‌شود. در آثار گذشته فارسی برای شعر و ادب تعلیمی نام‌های مختلفی از قبیل تحقیق، زهد، پند و حکمت و وعظ به کار برده شده است (رزمجو، ۱۳۸۲: ۹۵) و از قدیم‌ترین ایام در شعر شاعرانی چون رودکی، شهید بلخی، دقیقی و کسایی نمونه‌هایی داشته است. با گذشت روزگار این شاخه ادبی پر بارتر و شیکوفا تر شده، شاعران بزرگی چون فردوسی، سنایی و نظامی در این نوع ادبی طبع آزمایی کرده‌اند و اشعار گرانسنگی در این زمینه از خود بر جای گذاشته‌اند.

در قرن هفتم، سعدی شیرازی یکی از بزرگ‌ترین شعرای تعلیمی سرای ایران ظهور کرد و قسمت عمده‌ای از سخنان خود را به وعظ و اندرز اختصاص داد. هنر بزرگ سعدی در آن است که وی در نظم و نثر و نیز در انواع شعر از مثنوی گرفته تا قصیده و غزل هنرنمایی کرده است و مضامین مختلفی چون اخلاق، سیاست، اجتماع، عرفان، عشق را با بیانی هنرمندانه در شعر و نثر به سلک عبارت درآورده است. بوستان و گلستان وی هم به عنوان شاهکارهای تعلیمی ادب فارسی شناخته می‌شوند. سعدی در این آثار مسائل اخلاقی را تحت عناوین مختلف به همراه امثال و حکایات دلنشین مطرح می‌کند. اشعار تعلیمی سعدی منحصر به آثار یاد شده نیست. وی در قصاید و حتی غزل و شعر عاشقانه هم به مسائل اخلاقی گریز می‌زند و در این راه بیش از هر شاعر دیگر توفیق می‌یابد. سعدی در غزل به مناسبت‌های مختلف دو مضمون به ظاهر دور از هم یعنی عشق و تعلیم را در کنار هم جای می‌دهد. برخی محققان این موضوع را عیب اشعار غنایی سعدی دانسته‌اند (ماسه، ۱۳۶۴: ۲۶۵)، در حالی که این قسمت از اشعار سعدی از نغزترین اشعار اوست و یکی از جلوه‌های بدیع غزل فارسی محسوب می‌شود. «سعدی هم استاد رموز عاشقی است و هم آموزگار تقوا و خردمندی؛ چیزی که در یک تن جمع شدنش نادر است. در وجدان او نیکی که هدف اخلاق است از زیبایی که غایت عاشقی است جدا نیست؛ ... نزد وی اخلاق وسیله‌ای است که انسان را به کمال آدمیت می‌رساند و وجود او را با رشته محبت با سراسر کاینات می‌پیوندد. همین هدف اخلاقی در عشق او نیز هست. عشق او نیز در حقیقت اخلاق و تقوا است. درد و سوز و گذشت و تسلیم است» (زرین کوب، ۱۳۷۴: ۲۵۳). سعدی با لطافت در غزلیات خود به این مطلب اشاره می‌کند که نصیحت‌گویی خوی و عادت او شده است و بنابراین اگر در غزل و شعر عاشقانه هم به پند و نصیحت می‌پردازد، نباید به او خرده گرفت:

خوی سعیدیست نصیحت چه کند گر نکند / مشک دارد نتواند که کند پنهانش
(سعدی، ۱۳۷۵: ۷۳۳)

سعدی با بیان هنرمندانه خود در تمامی آثار خود به طرح مباحث تعلیمی می‌پردازد و به عنوان شاعری متعهد بارها رسالت خاص خود را ابلاغ پیام اخلاقی و پند و نصیحت معرفی می‌کند:

ما نصیحت به جای خود کردیم / روزگاری در این به سر بردیم
گر نیاید به گوش رغبت کس / بر رسولان پیام باشد و بس
(همان، ۱۳۷۷: ۱۹۱)

شیوه خاص سعدی در بیان مطالب تعلیمی بر استواری لفظ و روانی معنی مبتنی است و همین نکته است که سخن او را در شیوه سهل ممتنع به سرحد اعجاز رسانده است. وی معانی لطیف تازه را در عبارات آسان بیان می‌کند و در عین حال از تعقید و تکلف بر کنار می‌ماند. هرچند سخنش یکسره از صنعت خالی نیست، نشانه صنعت‌گری هم در آن چندان بارز نیست (زرین کوب، ۱۳۷۴: ۲۵۴). سعدی بدون آن که سخنش از آرایه‌های مناسب و درخور خالی بماند از سنگلاخ تکلف و تصنع زمان خود بیرون آمد (حسن‌لی، ۱۳۸۱: ۲۰). وی در طرح مسائل گوناگون اخلاقی به شیوه‌ای استادانه کلام خود را می‌آراید و با استفاده از شگردهای هنری مختلف از جمله صنایع بدیعی مانند انواع جناس، ایهام و استخدام و نیز آرایه‌های بیانی مانند تشبیه، تأثیر کلام خود را دو چندان می‌کند. شعر سعدی بر خلاف ظاهر ساده و روان آن، سرشار است از لطافت‌ها و ظرافت‌هایی که با تأمل در لایه‌هایی درونی آن برای خواننده آشکار می‌شود. همین لطافت‌های ادبی و مهارت‌های شاعرانه سعدی است که به کلام اخلاقی و تعلیمی که غالباً فی نفسه با نوعی خشکی و ملال‌انگیزی همراه است، گیرایی و قدرت تأثیر بی‌نظیری می‌بخشد. متأسفانه برخی محققان این جلوه‌های کلام او را نادیده انگاشته‌اند

و برخی آثار او مانند بوستان را به اشتباه صرفاً اثری اخلاقی دانسته‌اند و آن را از جلوه‌های شاعرانه خالی می‌دانند (یغمایی، ۱۳۲۳: ۵۲۵) و یا حتی اندیشه‌های اخلاقی او را یکنواخت و مکرر خوانده‌اند (ماسه، ۱۳۶۴: ۱۴۶). این در حالی است که سعدی - چنان‌که در ادامه به بررسی نمونه‌هایی از آن پرداخته می‌شود - با زبان گیرای خود و با تعابیر مختلف به مباحث اخلاقی هرچند مکرر، جامه نو می‌پوشاند و سخن را تازه می‌کند.

۲- جایگاه تشبیه در اشعار تعلیمی سعدی

شگردهای هنری سعدی در تعلیم متنوع و گوناگون است. بارزترین تصویر هنری که سعدی در بیان مضامین تعلیمی از آن بهره می‌برد، تشبیه است. تشبیه در آثار وی کاربرد وسیع و معناداری دارد و به صورت‌های مختلفی در کلام وی جلوه‌گر می‌شود. بسامد بالای تشبیه در سخن سعدی تا حدی است که گاه در ایضاح یک مطلب به بیان یک تشبیه اکتفا نمی‌کند و ابتدا یک حقیقت اخلاقی را بیان کرده، سپس آن را با یک سلسله تمثیل‌ها مجسم می‌سازد. اساساً در حوزه معانی زهدی و حکمی بیشترین کاربرد عناصر خیال به تمثیل اختصاص دارد، چنان‌که در حماسه مبالغه کاربرد بیشتری دارد و در شعر غنایی استعاره (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۳۹۱). سعدی در تمثیل‌های اخلاقی به یاری ذوق و قریحه بی‌نظیر شاعرانه خود ارتباط عمیقی بین لفظ و معنای کلام برقرار می‌کند و در بسیاری از موارد با آرایش ظاهر الفاظ بر گیرایی و تأثیر سخن می‌افزاید. به عبارت دیگر نه تنها تشبیه‌های به کار رفته در اشعار وی از عمق و سیطره معنایی برخوردار است بلکه در لفظ نیز کاملاً خوش‌آهنگ و دلنواز جلوه می‌کند. علاوه بر این مشبیه‌به غالب تشبیه‌ها و تمثیل‌های تعلیمی سعدی از امور ملموس و محسوسی گرفته شده که به راحتی برای هر کسی قابل فهم است و همین امر است که اشعار تعلیمی وی را در نزد عام و خاص زبانزد کرده است.

نکته قابل توجه دیگری که در تشبیه‌های اخلاقی سعدی مشاهده می‌شود آن است که قدرت سخنوری وی در به کار بردن تمثیل‌های متعدد و پیاپی در بوستان و گلستان به مراتب بیشتر از قصاید و غزلیات است. چرا که نظم بوستان و نیز نثر گلستان و یا تک بیت‌های به کار رفته در آن مجال مناسبی را برای شاعر فراهم می‌آورد تا به یاری مثال به روشنگری یک اصل اخلاقی پردازد و این در حالی است که غزل و قصیده با توجه به محدودیت‌های موضوعی، قافیه‌ای و نیز تعداد ابیات در غزل این امکان را به شاعر نمی‌دهد و وی تنها به مناسبت‌های مختلف با ابیاتی روان و دل‌نشین و گاه طرح تمثیل‌هایی که نسبت به گلستان و بوستان از بسامد کمتری برخوردار است، به بند و اندرز می‌پردازد و البته هر جا که مجال یابد به مناسبت از بیان تمثیل‌های پیاپی نیز امتناع نمی‌کند، به عنوان مثال در چهار بیت یک غزل شش تمثیل پیاپی به کار می‌برد:

مقدّرست که از هر کسی چه فعل آید	درخت مقل نه خرما دهد نه شفتالود
به سعی ماشطه اصلاح زشت نتوان کرد	چنانکه شاهی از روی خوب نتوان سود
سیاه زنگی هرگز شود سپید به آب؟	سپید رومی هرگز شود سیاه به دود
سعادت که نباشد طمع مکن سعدی	که چون نکاشته باشند مشکل است درود

(سعدی، ۱۳۷۵: ۷۲۹)

تشبه و تمثیل در اشعار سعدی با لطافت‌ها و ظرافت‌های هنری خاصی همراه می‌شود. تشبیهات به کار رفته در کلام وی را به سه دسته تشبیه، تمثیل و ارسال‌المثل تقسیم کرده، در ادامه به بررسی نقش و جایگاه آن در تعلیم و بیان ظرافت‌ها و دقایق آن در کلام سعدی می‌پردازیم.

۲-۱- تشبیه

سعدی از این ابزار بیانی به منظور تعلیم اندیشه‌های اخلاقی به صورت‌های مختلفی همچون اضافه تشبیهی و یا انواع دیگر تشبیه بهره برده است. نکته قابل توجهی که در

غالب این تشبیه‌ها دیده می‌شود آن است که شاعر امور اخلاقی مثل احسان، کرم و ... را به یاری تشبیهاتی که از زندگی عادی و روزمره وام گرفته است، برای مخاطب ملموس کرده، با یادآوری محسوس مزایا و محاسن آن مخاطب را به انجام آن ترغیب می‌کند. این موضوع در باب ویژگی‌ها و خصلت‌های غیراخلاقی انسانی مانند حرص، دروغ و ... هم صدق می‌کند. بسیاری از تشبیه‌هایی که سعدی در کلام خود به کار می‌برد، ابزاری است برای نشان دادن زشتی‌ها و باطن‌پلید بسیاری از خصلت‌های منفی انسانی و یا اموری که انسان را از تعالی و کمال بازمی‌دارد مانند دنیا و خواهش‌های نفسانی. بنابراین مشبه‌های تشبیهات سعدی در اشعار و نوشته‌های تعلیمی وی غالباً صفات و ویژگی‌های مثبت و منفی اخلاقی و روحی است که سعدی به یاری تشبیه در پی برانگیختن مخاطب به انجام یا ترک آن برمی‌آید. نوع مشبه‌به‌های به کار رفته در این تشبیه‌ها هم درخور توجه و بررسی است. سعدی مزایا و معایب برخی خصلت‌های اخلاقی را که از مقوله امور عقلی است به یاری مشبه‌به‌های محسوس و قابل درکی که عموماً آن را از تجربیات عادی زندگی انسان‌ها وام گرفته است، برای مخاطب آشکار می‌کند. این امر موجب شده است که تشبیهات تعلیمی او برای عامه مردم - و نه فقط قشر خاص تحصیل‌کرده - قابل فهم باشد. در واقع غالب مشبه‌به‌های تشبیه‌های به کار رفته در کلام وی نه تنها پیچیدگی و ابهامی را در بر ندارد بلکه به شیوه‌ای کاملاً محسوس و طبیعی به کار رفته است. برای روشن شدن جایگاه این تشبیه‌ها در تعلیم مفاهیم اخلاقی نمونه‌هایی از آن ذکر می‌شود:

مشبه: احسان - مشبه به: بند

گره بر سر بند احسان مزن که این زرق و شیدست و آن مکر و فن

(سعدی، ۱۳۸۱: ۸۱)

در این بیت سعدی احسان را به بندی تشبیه می‌کند که نباید به بهانه‌های مختلف در

آن گره و مانعی ایجاد کرد. در بیت زیر هم لطف و احسان به طور ضمنی به کمندی تشبیه شده است که حتی دشمن را نیز مطیع و نرم می‌کند:

عدو را به الطاف گردن بیند که نتوان بریدن به تیغ این کمند
(سعدی، ۱۳۸۱: ۸۷)

این تشبیه از تشبیهات پرکاربرد در کلام سعدی است و نکته جالب توجه آن است که سعدی این تشبیه مکرر را هر بار با الفاظی نو و در قالبی دیگر بیان می‌کند که از آن جمله است بیت زیر:

به ره در یکی پیشم آمد جوان به تک در پی‌اش گوسفندی روان ...
نه این ریسمان می‌برد با منش که احسان کمندی است بر گردنش
(همان: ۸۸)

سعدی مشبه‌به‌های خود را با توجه به مضمون مورد نظر و نیز حال و هوای حکایاتی که به مناسبت‌های مختلف ذکر می‌کند، برمی‌گزیند؛ به عنوان مثال وی در جای دیگر احسان و فضل را به شمشیری تشبیه کرده که انسان را از شدت شرمندگی به کشتن می‌دهد:

مشبه: احسان و فضل - مشبه به: شمشیر
مرا بار لطفش دوتا کرد پشت به شمشیر احسان و فضلم بکشت
(همان: ۹۱)

این بیت سعدی از زبان شخصی است که به دستور پادشاه وقت برای کشتن حاتم طائی رفته بود اما با احسان و فضل بسیار او مواجه شد و در نتیجه از کشتن او صرف نظر کرد، تشبیه احسان به شمشیر متناسب است با مضمون حکایت، زیرا که در واقع شخص گوینده قصد داشت با شمشیر خود حاتم طائی را به هلاکت برساند اما حاتم با شمشیر احسان او را شرمسار کرد.

مشبه: خیر - مشبه به: گوی

صاحباً عمر عزیزست غنیمت دانش گوی خیری که توانی بیر از میدانش
(سعدی، ۱۳۷۵: ۷۳۳)

در ابیات زیر هم سعدی پنج تشبیه به کار می‌برد که تمامی آن‌ها برای بیان مفاهیم اخلاقی به کار رفته است:

مشبه: وجود، مشبه به: شهر - مشبه: تو، مشبه به: سلطان - مشبه: خرد، مشبه به: دستور دانا -
مشبه: رضا و ورع، مشبه به: نیک‌نامان حر - مشبه: هوی و هوس، مشبه به: رهزن و کیسه‌بر.

وجود تو شهری است پر نیک و بد تو سلطان و دستور دانا خرد
رضا و ورع نیک‌نامان حر هوی و هوس رهزن و کیسه‌بر
(همان، ۱۳۸۱: ۱۵۳)

چنان‌که از اشعار بالا برمی‌آید سعدی با تشبیه وجود انسان به یک شهر، صفات نیک و بد انسانی را به تصویر می‌کشد و مخاطب را به پیروی از خرد و در پیش گرفتن رضا و ورع ترغیب کرده، از پیروی هوی و هوس باز می‌دارد. مسلم است که اگر شاعر بدون این ابزار بلاغی مخاطب را به دوری از هوی و هوس فرامی‌خواند، اندرز او از قدرت تأثیرگذاری کمتری برخوردار بود اما شاعر با تشبیه هواهای نفسانی به راهزن و کیسه‌بری که در بین انسان‌ها شخصیت منفور و زشتی دارد، در پی آن بر می‌آید که معایب پیروی از هوی و هوس را به خواننده یادآوری کند.

در ابیات دیگری نیز سعدی از تشبیه برای بازداشتن مخاطب از صفات ناپسند انسانی مانند طمع، شکم‌بارگی، دروغ و ... و یا بازداشتن از پیروی نفس و شهوت و دنیاپرستی بهره برده است:

مشبه: طمع - مشبه به: درج کسی را که درج طمع درنوشت
نباید به کس عبد و خادم نوشت

(همان: ۱۴۷)

مشبه: آز - مشبه به: انبان

کجا ذکر گنجد در انبان آز
به سختی نفس می کند پا دراز
(سعدی، ۱۳۸۱: ۱۴۶)

مشبه: شکم - مشبه به: بند و زنجیر

شکم بند دست است و زنجیر پای
شکم بنده نادر پرستد خدای
(همان: ۱۴۷)

مشبه: نفس - مشبه به: سگ

کسی سیرت آدمی گوش کرد
که اول سگ نفس خاموش کرد
(همان: ۱۴۵)

مشبه: نفس - مشبه به: دشمن

تو با دشمن نفس همخانه‌ای
چه در بند پیکار بیگانه‌ای
(همان: ۱۵۳)

مشبه: شهوت - مشبه به: آتش

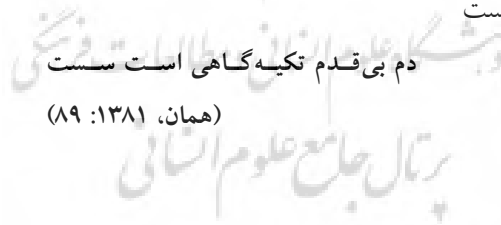
پدر چون دور عمرش منقضی گشت
که شهوت آتش است از وی پرهیز
مرا این یک نصیحت کرد و بگذشت
به خود بر آتش دوزخ مکن تیز
(سعدی، ۱۳۷۷: ۱۷۶)

مشبه: دروغ - مشبه به: ضربت لازم

- دروغ گفتن به ضربت لازم ماند که اگر نیز جراحی درست شود، نشان بماند
(همان: ۱۸۶).

مشبه: دم بی قدم - مشبه به: تکیه گاه بیست

به معنی توان کرد دعوی درست
دم بی قدم تکیه گاهی است بیست
(همان، ۱۳۸۱: ۸۹)



مشبه: دنیا - مشبه به: خاکدان، زاغ‌آشیان، گیاه، رزق استخوان.

گر مرا دنیا نباشد خاکدانی گو مباش
باز عالی همتم، زاغ‌آشیانی گو مباش
بز نیم در آخور قسمت گیاهی گو مرو
سگ نیم بر خوانچه رزق استخوانی گو مباش
(سعدی، ۱۳۷۵: ۷۳۲)

در این ابیات سعدی برای نشان دادن پستی دنیا و بازداشتن از تعلق داشتن به آن، دنیا را به اموری پست تشبیه می‌کند. در این تشبیه، مشبه واحد و مشبه به متعدد است که به آن «تشبیه جمع» می‌گویند (شمیسا، ۱۳۸۳: ۴۸).

مشبه: مقالات بیهوده - مشبه به: طبل تهی

کرامت جوانمردی و نان‌دهی است
مقالات بیهوده طبل تهی است
(سعدی، ۱۳۸۱: ۸۹)

طبل توخالی که فقط بانگ و صدا دارد و از معنا تهی است، در کلام سعدی بارها به عنوان مشبه به برای سخن و ادعای بیهوده ذکر شده است. در جای دیگر هم سعدی در ضمن حکایت ادعای بدون عمل را به آن تشبیه کرده است:

من از حاتم آن اسب تازی نهاد
بخواهم گر او مکرمت کرد و داد
بدانم که در وی شکوه مهی است
وگر رد کند بانگ طبل تهی است
(همان: ۹۰)

مشبه: انسان بی مروت - مشبه به: درخت بی بر

زرش دیدم و زرع و شاگرد و رخت
ولی بی مروت چو بی بر درخت
(همان: ۸۹)

درخت بی بار یکی از مشبه به‌هایی که سعدی به یاری آن به طرح مضامین گوناگون اخلاقی می‌پردازد.

مشبه: هر آن کس که از پیش یادگار نماند - مشبه به: درخت

هر آن کو نماند از پشش یادگار درخت وجودش نیاورد بار
(سعدی، ۱۳۸۱: ۴۵)

مشبه: بدی - مشبه به: تخم؛ مشبه: نیکی - مشبه به: بار

مکن بد که بد بینی از یار نیک نیاید ز تخم بدی بار نیک
(همان: ۸۷)

نکته قابل توجه دیگر در باب تشبیه‌های به کار رفته در کلام سعدی آن است که بسیاری از تشبیهاتی که سعدی برای بیان مفاهیم تعلیمی در کلام خود به کار می‌برد، از نوع تشبیه بلیغ و در برخی موارد در قالب اضافه تشبیهی است و این گونه تشبیه‌ها در ایجاز و کوتاهی لفظ نیز قابل توجه است. البته در همین تشبیه‌های کوتاه و به ظاهر ساده و ملموس است که وی تناسب‌های لفظی و هنری زیبایی را خلق می‌کند که بر نفوذ کلام او می‌افزاید. تأمل در بیت زیر این موضوع را آشکار می‌کند:

بر سایبان حسن عمل اعتماد نیست سعدی مگر به سایه لطف خدا رود
(همان، ۱۳۷۵: ۷۳۰)

در این بیت سعدی دو اضافه تشبیهی به کار برده است: سایبان حسن عمل، سایه لطف خدا. وی عمل نیک انسان‌ها را به سایبانی تشبیه کرده که انسان‌ها را در پناه خود محافظت می‌کند و در مقابل لطف خداوند متعال را به سایه‌ای آرامش‌بخش و مایه راحتی جان تشبیه کرده است. ظاهر تشبیه در نگاه اول کاملاً ساده جلوه می‌کند اما با تأمل در بیت، ظرایف دیگری نیز در کلام شاعر جلوه‌گری می‌کند: تناسب بین سایبان و سایه، جناس بین سایه و سایه‌بان و واج‌آرایی حرف «س». در واقع سعدی با استفاده از آرایه‌های ادبی و تناسب‌های لفظی در پی زیباتر کردن و در عین حال تأثیرگذارتر کردن اندرزهای خود برآمده است. خود سعدی هم در جای جای اشعار به این مطلب اشاره می‌کند که وی با بیان تمثیل‌ها و رعایت نکات و ظرایف دلنشین در آن، سعی در آن

دارد که داروی تلخ نصیحت را اندکی در کام مخاطبان شیرین‌تر جلوه دهد:

نصیحت داروی تلخ است و باید که با جلاب در حلقه چکانند
چنین سقمونیای شکرآلود ز داروخانه سعدی ستانند
(سعدی، ۱۳۷۵: ۷۲۸)

۲-۲- تمثیل

بیشترین تعداد تشبیهاتی که سعدی در بیان مطالب تعلیمی از آن بهره برده، تشبیهات مرکبی است که از منظر ادبی می‌توان آن را از مقوله تمثیل دانست. در غالب کتاب‌های بلاغی بحث تمثیل در ذیل تشبیه مطرح شده است و با تعبیری همچون تشبیه تمثیل، تمثیل تشبیهی و تمثیل از آن یاد کرده‌اند. درباره این نوع از تشبیه اختلاف نظرهای زیادی در بین علمای بلاغت وجود دارد که پرداختن بدان به اطاله کلام می‌انجامد اما معمولاً تشبیهی را که وجه شبه آن مرکب باشد تشبیه تمثیل نامیده‌اند (علوی مقدم و اشرف زاده، ۱۳۸۴: ۹۱؛ شمیسا، ۱۳۸۳: ۴۴). عبدالقاهر جرجانی از نخستین کسانی است که به تفصیل از تمثیل سخن گفته است. در نظر او تشبیه اعم از تمثیل است یعنی هر تمثیلی تشبیه است اما هر تشبیهی تمثیل نیست (جرجانی، ۱۹۹۱: ۹۵). همچنین وی وجه شبه را در تمثیل منتزاع از مجموع جملات می‌شمارد (همان: ۱۰۸) و این امر اشاره دارد به مرکب بودن وجه شبه در تمثیل.

تمثیل در پیام‌رسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و از قدیم‌ترین ایام در کانون توجه خطیبان و اهل بلاغت بوده است. ارسطو در کتاب رتوریک مثال داستانی را یکی از ابزارهای خطیب برای اقناع مخاطب می‌شمرد (ارسطو، ۱۳۷۱: ۱۵۶). این صنعت در بسیاری از موارد «موجب آرایش سخن و تقویت بنیه سخن می‌شود و گاه باشد که آوردن یک مثل در نظم یا نثر و خطابه و سخن‌رانی، اثرش در پروراندن مقصود و جلب توجه شنونده بیش از چندین بیت منظوم و چند صفحه مقاله و رساله باشد» (همایی،

۱۳۸۵: ۳۵۵). علمای بلاغت هم به تأثیر بی‌نظیر تمثیل در ابلاغ پیام اذعان داشته‌اند. شیخ عبدالقاهر جرجانی بر آن بوده است که «هرگاه تمثیل در امتداد کلام قرار گیرد یا آن‌که تمثیل جایگزین سخن گردد و از صورت اعلیٰ به صورت مثل درآید، آن را شکوهی شایسته فرا گیرد و فضیلتی والا به دست آورد که بر مقدار آن بیفزاید و آتش آن را شعله‌ورتر سازد؛ به‌علاوه نیروی کلام را بالا برده، در برانگیختن نفوس و جذب قلوب تأثیر بیشتر و بهتری خواهد داشت (جرجانی، ۱۹۹۱: ۹۲).

ابن اثیر هم سه ویژگی برای تمثیل برمی‌شمرد: مبالغه، بیان و ایجاز (ابن اثیر، ۱۴۲۲: ۱۳۲/۲). از منظر وی مبالغه به معنای تأکید در رسانیدن معنی و ایفای کامل مقصود است زیرا سخن عادی و عاری از مثل ممکن است ایفای مقصود نکند و در رساندن معنی رسا نباشد اما همراه با تشبیه و تمثیل بهتر و شیواتر می‌توان به هدف کلام نزدیک شد و در عین حال با کوتاه‌ترین سخن که همراه تمثیل بیان می‌شود، رساترین مطلب را بیان کرد. ابواسحاق نظام نیز چهار ویژگی برای مثل برمی‌شمرد که از منظر وی در دیگر سخنان یافت نمی‌شود: ایجاز، ایفا، حسن تشبیه، حسن ادا (ابن جوزیه، ۱۴۱۰: ۱/۲۹۱). نمونه بارز تأثیرگذاری تمثیل را می‌توان در قرآن کریم مشاهده کرد. قرآن کریم آکنده از امثال فراوانی است که برای پند و اندرز، انگیزش و ترغیب و به‌طور کلی تعلیم به کار رفته است. قرآن کریم از این ابزار بیانی بهترین بهره را برده است. «اساساً قرآن مطالب عالی‌ه خود را در قالب تمثیل و تشبیه بیان داشته - به دلیل کوتاهی الفاظ موضوعه برای رساندن چنین مطالبی - و گاه از آن فراتر رفته، دست به ترسیم حالت روانی مورد نظر می‌زند و به خوبی از عهده ترسیم آن برمی‌آید و این شیوه ادبی و فنی از بهترین وسائل ممکن برای تأثیر دعوت به شمار می‌رود. هر یک از تمثیل‌های قرآنی پرده‌هایی هستند که ماهرانه حالات و اوضاع مورد نظر را ترسیم کرده‌اند و در مقابل روی مخاطبان قرار می‌دهند تا خود شاهد مناظر زشت و زیبای گستره حیات بشری باشند» (معرفت، ۱۳۸۶: ۱۸).

یوسفی برای کاربرد مثل‌ها از سوی شاعران دلایلی ذکر می‌کند: نخست آن‌که چون مثل غالباً رایج و ذهن همگان به آن آشناست، به انتقال معنی کمک می‌کند و در عین ایجاز از عهده این مهم برمی‌آید ... ثانیاً مفاهیم با اشاره‌ای لطیف به ذهن دیگران راه می‌یابد و این طرز بیان از تصریح بلیغ‌تر و شیرین‌تر است (یوسفی، ۱۳۷۰: ۵۷۵). تمثیل رسا و مناسب در پیام‌رسانی از چنان تأثیری برخوردار است که شخص احساس می‌کند مطالب مورد نظر را با تمام وجود لمس کرده، از نزدیک مشاهده می‌کند و هرگاه قدرت ترسیم بالاتر باشد، این تأثیر بیشتر است. کاربرد فراوان این ابزار بلاغی در اشعار سعدی در غالب موارد با هدف ابلاغ پیامی اخلاقی و تعلیمی همراه است و سعدی به نحو مؤثر و کارآمدی از آن بهره برده است. درصد کاربرد تمثیل در بوستان و گلستان به مراتب بیشتر از دیگر آثار سعدی است و با نکات ادبی فراوانی همراه می‌شود. در بوستان سعدی گاه با تمثیل‌های متعدد و پیاپی‌ای مواجه می‌شویم که شاعر برای بیان یک نکته اخلاقی مطرح می‌کند و با این کار سعی در آن دارد از ذکر نکات اخلاقی متعدد و ناکارآمد پرهیز کند و در عین حال اندرز بیان شده را به خوبی برای خواننده ترسیم کرده، او را به انجام آن برانگیزد، مانند ابیات زیر که شاعر مطلبی را در بیت اول مطرح کرده، در ابیات به یاری تمثیل آن را آشکارتر می‌کند:

الا گر طلبکار اهل دلی	ز خدمت مکن یک زمان غافلی
خورش ده به گنجشک و کبک و حمام	که یک روزت افتد همایی به دام
چو هر گوشه تیر نیاز افکنی	امید است ناگه که صیدی زنی
دُری هم برآید ز چندین صدف	ز صد چوبه آید یکی بر هدف

(سعدی، ۱۳۸۱: ۹۴)

البته ذکر مثال‌های متعدد در سخن سعدی با اصل کلام پیوند و ارتباط کامل دارد و هیچگاه به ملال‌انگیزی و اطاله نابجای کلام نمی‌انجامد و سعدی - چنان‌که شیوه

همیشگی اوست - در نهایت ایجاز و اختصار به ذکر مثال می‌پردازد. ایجاز کلام در تمثیل‌های سعدی گاه آنچنان است که چند تمثیل را در یک بیت جای می‌دهد و این امر از شاهکارهای سعدی در این زمینه محسوب می‌شود:

دشمن چو بینی ناتوان لاف از پروت خود مزین

مغزی است در هر استخوان، مردی است در هر پیرهن

(سعدی، ۱۳۷۷: ۱۷۲)

غالب تمثیل‌های سعدی هم مانند تشبیهات وی ملموس و طبیعی است و ترکیب مشبه به از زندگی روزمره و عادی به عاریت گرفته شده است تا جایی که حتی گاهی این تمثیل‌ها به ویژه در غزلیات و قطعات حالت عامیانه به خود می‌گیرد، مانند تمثیلی که در مصراع چهارم قطعه زیر ذکر شده است:

هرگز به مال و جاه نگردد بزرگ‌نام
قارون گرفتمت که شوی در توانگری

بدگوهری که خبث طبیعیش در رگست
سگ نیز با قلاده زرین همان سگست

(همان، ۱۳۷۵: ۷۴۹)

و یا تمثیلی که در مصراع دوم بیت زیر ذکر شده است.

قدم زنند بزرگان دین و دم نزنند
که از میان تهی بانگ می‌کند خشخاش

(همان: ۷۳۱)

سعدی در واقع با در پیش گرفتن این شیوه دایره مخاطب خود را به طرز آشکاری گسترش داده است. البته به کار بردن مثال‌های محسوس چیزی از هنر سخنوری سعدی نمی‌کاهد و وی با رعایت تناسب‌های هنری و شگردهای زبانی به سخن خود رونق و جلای چشمگیری می‌دهد مانند بیت زیر از گلستان سعدی:

چو دست از همه حیلتی درگسست
حلال است بردن به شمشیر دست

(همان، ۱۳۷۷: ۱۷۲)

در این بیت کلمه «دست» در صدر و عجز بیت تکرار شده است و در نتیجه آرایه «رد العجز علی الصدر» در بیت مشاهده می‌شود (ر.ک: فشارکی، ۱۳۷۹: ۴۶). علاوه بر این واج آرایه حرف «س» نیز به گوش‌نوازی بیشتر بیت منجر شده است. علاوه بر نکات مذکور سعدی در بیان مثال‌های تعلیمی خود از شگردهای دیگری نیز بهره برده است که در ادامه به بررسی آن پرداخته می‌شود.

۲-۲-۱- **جابه‌جایی مشبه و مشبه به:** سعدی گاه برای این که توجه مخاطب را به طرز مؤثری به خود معطوف کند، بر خلاف روال معمول تشبیه ابتدا مثال را ذکر می‌کند و سپس در ادامه به ایضاح آن می‌پردازد. در واقع وی سیر طبیعی تشبیه را در هم می‌ریزد چرا که در تشبیه ابتدا مشبه ذکر می‌شود و سپس مشبه‌به. این شگرد هنری سعدی در کاربرد تمثیل در کلام او شواهد فراوانی دارد. مثال:

آهنی را که موریانه بخورد نتوان برد ازو به صیقل رنگ
با سیه‌دل چه سود گفتن وعظ نرود میخ آهنین در سنگ
(سعدی، ۱۳۷۷: ۹۳)

سعدی در ابیات فوق ابتدا مثالی ذکر می‌کند: آهنی را که موریانه بخورد با صیقل نمی‌توان زنگ از آن زدود. وی با طرح این مثال ملموس توجه خواننده را به خود معطوف کرده، او را ترغیب می‌کند که به ادامه مطلب توجه بیشتری داشته باشد. برای روشن شدن مطلب تصور کنید که شخصی تنها مصراع اول را برای جمعی بخواند و سپس مکث کوتاهی کند؛ مسلم است که مخاطبان با شنیدن این مثال خواهان شنیدن ادامه مطلب شده، با دقت بیشتری به آن گوش فرامی‌دهند. همچنین است ابیات زیر:

ابر اگر آب زندگی بارد هرگز از شاخ پید بر نخوری
با فرومایه روزگار مبر کز نی بوریبا شکر نخوری
(همان: ۶۱)

در ابیات مذکور هم سعدی ابتدا مشبه به را در بیت اول ذکر می‌کند و سپس مشبه مورد نظر را در مصراع اول بیت دوم بیان می‌کند. البته مصراع دوم بیت دوم نیز تمثیل محسوس دیگری است که به روشن شدن بیشتر مطلب کمک می‌کند. عبارت زیر از گلستان سعدی هم از همین مقوله است:

«مشک آن است که خود ببوید نه آن که عطار بگوید. دانا چو طبله عطارست خاموش و هنرنمای و نادان چو طبل غازی بلندآواز و میان تهی» (همان: ۱۸۰).
در اینجا هم سعدی ابتدا بی مقدمه مثالی ذکر می‌کند: «مشک آن است که ببوید نه آن که عطار بگوید» و سپس در ادامه با جملات دیگر این مثال را روشن می‌کند. این شگرد هنری سعدی در غزل‌های موعظه‌گونه وی هم مشاهده می‌شود، به عنوان مثال وی غزلی دارد با مطلع:

خرما نتوان خوردن ازین خار که کشتیم دیبا نتوان کردن ازین پشم که رشتیم
(سعدی، ۱۳۷۵: ۷۳۶)

در این بیت شاعر ابتدا دو مثال ذکر می‌کند: ۱. ما خاری کاشته‌ایم و از این خار انتظار برداشت خرما نمی‌رود! ۲. ما پشم کم‌بهایی را رشته کرده‌ایم که از آن پارچه ابریشمی گرانبها به دست نمی‌آید! سعدی با بیان این دو تمثیل ذهن خواننده را به تکاپو وا می‌دارد که مراد از این مثال‌ها چیست و همین جستجو و تلاش ذهنی مخاطب است که تأثیر اندرز او را در بیت بعد بیشتر می‌کند:

بر حرف معاصی خط عذری نکشیدیم پهلوی کبائر حسناتی ننوشتیم
(همانجا)

در قطعه زیر هم سعدی ابتدا برای مطلب مورد نظر خود دو تمثیل ذکر می‌کند و سپس در مصراع سوم آن را روشن می‌کند و البته مصراع چهارم نیز تمثیل دیگری است. در واقع سعدی در این قطعه سه مصراع را به ذکر مثال اختصاص داده است و یک

مصراع را به ذکر مشبه:

هرگز پر طاووس کسی گفت که زشتست با دیو کسی گفت که رضوان بهشتست
نیکی و بدی در گهر خلق سرشتست از نامه نخوانند مگر آنچه نوشتست
(سعدی، ۱۳۷۷: ۷۴۸)

قطعه زیر نیز از منظر ساختار تقریباً شبیه قطعه بالاست با این تفاوت که کل بیت اول یک تمثیل است و مطلب مورد نظر سعدی در مصراع سوم ذکر شده است:

دیو اگر صومعه داری کند اندر ملکوت همچو ابلیس همان طینت ماضی دارد
ناکست آن که به دراعه و دستار کس است دزد دزدست و گر جامه قاضی دارد
(همان: ۷۵۳)

در عبارت زیر هم که از گلستان انتخاب شده، سعدی با رعایت ایجازی که خاص کلام اوست ابتدا مثالی در مورد انسان‌های حریص و قانع ذکر می‌کند و سپس در ادامه به بیان تفاوت آن‌ها می‌پردازد:

- ده آدمی بر سفره‌ای بخورند و دو سگ بر مرداری بهم به سر نبرند. حریص با جهانی گرسنه است و قانع به نانی سیر (همان: ۱۷۵).

۲-۲-۲- رعایت تناسب لفظی بین مشبه و مشبه به در تمثیل: آنچه در نحوه کاربرد تمثیل از منظر بلاغی اهمیت دارد، تناسب معنایی مثال به عنوان «مشبه به» با مطلب مورد نظر شاعر یا نویسنده به عنوان «مشبه» است و غالب تمثیل‌هایی که شعرا و نویسندگان در کلام خود از آن بهره برده‌اند نیز ناظر به همین تناسب معنایی است. در واقع مثال (مشبه به) روشنگر معنای مشبه است و آن را برای خواننده ملموس و آشکار می‌کند. سعدی با مهارت و استادی بی‌نظیری که در عرصه زبان دارد، تمثیل را وارد مرحله تازه‌ایی می‌کند، به گونه‌ای که نه تنها به ارتباط معنایی بین مشبه و مشبه به توجه می‌کند، بلکه ارتباط لفظی بین اجزای کلام را نیز در نظر می‌گیرد و به این ترتیب با رعایت

تناسب لفظی کلمات به ابداعی در این زمینه دست می‌یابد و به این واسطه بر تأثیرگذاری کلام خود می‌افزاید و مطالب تعلیمی را به حالتی از لطافت می‌رساند که مخاطب به شنیدن آن رغبت پیدا می‌کند. ابیات زیر نمایانگر این ویژگی منحصر به فرد تمثیل‌های سعدی است:

بداندیش بر خرده چون دست یافت درون بزرگان به آتش بتافت
به خرده توان آتش افروختن پس آنگه درخت کهن سوختن
(سعدی، ۱۳۸۱: ۴۸)

در این ابیات سعدی در بیت اول مطلبی را بیان می‌کند: انسان بداندیش منتظر ایراد و نکته‌ای هرچند کوچک است تا به وسیله آن به آزار و ایذای بزرگان پردازد. بیت دوم نیز تمثیلی است که شاعر برای روشن شدن مطلب ذکر می‌کند. سعدی با بیانی هنری بین بیت اول و بیت دوم ارتباط لفظی برقرار می‌کند. خرده در بیت اول به معنی ایراد و نکته است و در بیت دوم به معنی خرده چوب. بین دو کلمه «خرده» جناس تام وجود دارد. در واقع هنرنمایی بی‌نظیر سعدی در آن است که لفظ خرده در مصراع اول ذهن او را به کلمه «خرده» به معنی تکه چوب می‌کشاند و تمثیلی با همین مضمون می‌سازد. علاوه بر این خرده در بیت اول در مفهوم ایراد و نکته با آتش ایهام تناسب دارد.

بیت زیر هم در در این زمینه قابل توجه است:

مکن گر مردمی بسیار خواری که سگ زین می‌کشد بسیار خواری
(همان، ۱۳۷۷: ۱۱۱)

در این بیت سعدی با ارائه یک تمثیل به بیان معایب پرخوری و شکم‌بارگی می‌پردازد. «بسیار خواری» در مصراع اول به معنی پرخوری است و در مصراع دوم به معنی «خواری بسیار و بی‌شمار» است. بین این دو ترکیب آرایه لفظی «جناس ملفق» مشاهده می‌شود (ر.ک: فشارکی، ۱۳۷۹: ۲۸). در واقع سعدی با رعایت تناسب لفظی و

جناس در پی زیباتر کردن و هنری تر کردن تمثیل خود برآمده است.

۲-۲-۳- ذکر تمثیل با تلمیح به داستان، واقعه‌ای تاریخی، آیه یا باور عامیانه:

یکی دیگر از مهارت‌های سعدی در کاربرد هنرمندانه تمثیل آن است که وی این صنعت بلاغی را با آرایه ادبی تلمیح در هم می‌آمیزد. بسیاری از مثال‌هایی که وی برای تفهیم مطلب مورد نظر خود می‌آورد، اشاره به وقایع تاریخی دارد و این امر موجب می‌شود که نکته اخلاقی یا پند و اندرز با بیان مثالی عبرت‌آموز از دل تاریخ برای مخاطب جذابیت بیشتری داشته باشد و در عین حال از تأثیرگذاری بیشتری برخوردار گردد، چراکه شاعر نمونه و مدعای آن را با استدلال قوی از سرگذشت پیشینیان ذکر می‌کند. این‌گونه مثال‌های تاریخی در بین تمثیل‌های سعدی از بسامد بالایی برخوردار است. به عنوان مثال وی در ابیات زیر دو مثال برای بخشش نابجا ذکر می‌کند: ۱. چو گربه نوازی کبوتر برد، ۲. چو فربه کنی گرگ یوسف درد.

نه هر کس سزاوار باشد به مال یکی مال خواهد یکی گوشمال
چو گربه نوازی کبوتر برد چو فربه کنی گرگ یوسف درد
(سعدی، ۱۳۸۱: ۹۸)

مثال دوم تلمیح دارد به داستان حضرت یوسف و حيله‌ای که برادران ایشان برای رهایی از بازخواست پدر به کار بردند و به دروغ اعلام کردند که گرگ حضرت یوسف را دریده است. اشاره به داستان زندگی پیامبران در تمثیل‌های دیگری هم مشاهده می‌شود:

جوی باز دارد بلایی درشت عصایی شنیدی که عوجی بکشت
(همان: ۹۷)

مصرع دوم بیت نیز تمثیلی است که اشاره دارد به داستان زندگی حضرت موسی (ع). نقل شده که عوج بن عنق مردی افسانه‌ای و به بلندی قامت معروف بود و حضرت

موسی^(ع) او را به ضرب عصای خود هلاک کرد (سعدی، ۱۳۸۱: ۲۹۵).

مصراع دوم بیت زیر نیز اشاره دارد به داستان حضرت سلیمان و مهمان کردن مور، سلیمان پیغمبر را و آوردن یک پای ملخ به نزد او:

برد هر کسی بار در خورد زور گران است پای ملخ پیش مور
(همان: ۸۵)

بیت زیر هم از ابیات تعلیمی غزلیات سعدی است که به داستان حضرت نوح^(ع) تلمیح دارد:

دست در دامن مردان زن و اندیشه مدار هر که با نوح نشیند چه غم از طوفانش
(همان، ۱۳۷۵: ۷۳۳)

مصراع اول بیت زیر هم تمثیلی است که متأثر از واقعه آفرینش آدم و امتناع شیطان از سجده در مقابل وی گرفته شده است:

از ابلیس هرگز نیاید سجود نه از بدگهر نیکویی در وجود
(همان، ۱۳۸۱: ۹۸)

گاهی نیز در اشعار تعلیمی سعدی، تمثیل با آیه قرآن و اشاره به آن مستدل می‌شود. از نمونه‌های آن ابیاتی است که سعدی در گلستان در توصیف علم بدون عمل آورده است:

علم چندان که بیشتر خوانی چون عمل در تو نیست نادانی
نه محقق بود نه دانشمند چارپایی بر او کتابی چند
آن تهی مغز را چه علم و خبر که بر او هیزم است یا دفتر
(همان، ۱۳۷۷: ۱۷۰)

تمثیلی که سعدی در این بیت ذکر می‌کند اشاره دارد به آیه شریفه: (مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْجِمَارِ يَحْمِلُهَا أَصْفَارًا) (جمعه: ۵)

در ابیات زیر هم سعدی انسان بخیلی را توصیف می‌کند که در زندگی به خانواده خود رسیدگی نمی‌کند و در نتیجه بعد از مرگش از نعمت و مال او بهره می‌برند. در این ابیات سعدی برای روشن شدن این موضوع تمثیلی به کار می‌برد که تلمیح دارد به باوری عامیانه و این‌که چشمارو را برای دفع چشم زخم مفید می‌دانسته‌اند:

چو در زندگانی بدی با عیال گرت مرگ خواهند ازیشان منال
چو چشمارو آنگه خورند از تو سیر که از بام پنجه گزافتی به زیر
(سعدی، ۱۳۸۱: ۹۶)

چشمارو در لغت به معنی چیزی است که به منظور دفع چشم‌زخم از انسان، حیوان، باغ، کشتزار، خانه و جز آن می‌ساخته‌اند. طبق رسم موجود در برخی روستاهای ایران چشمارو کوزه یا سفالی بوده است که بر روی آن چشم و روی آدمی را به زیبایی می‌کشیده‌اند و آن را با پارچه‌های رنگین می‌آراسته‌اند و برای دفع چشم زخم از اهل خانه و باغ و ... در آن سکه‌های سفید و سیاه می‌ریخته‌اند و در شب چهارشنبه سوری از بام خانه به کوچه می‌افکنده‌اند تا بشکند و سکه‌هایش را منتظران و عابران بردارند (همان: ۲۹۵).

۲-۲-۴- مستند کردن مثال‌ها: یکی دیگر از شگردهای هنری سعدی در کاربرد تمثیل آن است که وی مثال‌های خود را گاه از زبان شخص دیگری که غالباً از منزلت اجتماعی بالایی برخوردار است، ذکر می‌کند و به این وسیله بر اعتبار کلام خود می‌افزاید. بسیاری از نقل‌قول‌های سعدی در ضمن حکایات و تمثیل‌ها از این دست است و در واقع وی با مستند کردن کلام خود در پی آن بر می‌آید که اعتماد مخاطب را جلب کرده، او را از صحت گفته خود مطمئن کند. ابیات زیر در این زمینه قابل توجه است:

عالم اندر میان جاهل را مثلی گفته‌اند صدیقان
شاهدی در میان کوران است مصلحتی در سب‌های زندیقان
(همان، ۱۳۷۷: ۱۸۰)

در اینجا سعدی مطلبی را با ذکر مثال توضیح می‌دهد: قرار گرفتن عالم در میان جاهلان مثل این است که زیارویی در بین کوران و قرآنی در سرای کافران قرار گیرد، چراکه جاهلان از مقام عالم آگاه نیستند و قدر او را نمی‌دانند. روشن است که این سخن از خود سعدی است و این مثل از منبع دیگری گرفته نشده است. در شروع گلستان هم منبعی برای این سخن ذکر نشده است اما سعدی با مستند کردن این سخن به افراد صدیق بر رونق کلام خود می‌افزاید و در پی تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب برمی‌آید. در بسیاری از موارد سعدی نصایح خود را از زبان خردمندان و انسان‌های باتجربه مطرح می‌کند. در ابیات زیر هم سعدی یکی دیگر از توصیه‌های اخلاقی خود را از زبان پدری پیر و خردمند بازگو می‌کند:

جوانی با پدر گفت ای خردمند مرا تعلیم ده پیرانه یک پند
بگفتا نیکمردی کن نه چندان که گردد خیره گرگ تیز دندان

(سعدی، ۱۳۷۷: ۱۸۳)

۲-۳- ارسال المثل

هرچند که در برخی از کتب بلاغی بین تمثیل و ارسال المثل تفاوتی قائل نشده‌اند، اما غالباً ارسال المثل به بیت یا عبارتی حکمت‌آموز اطلاق می‌شود که زبانزد مردم باشد (فشارکی، ۱۳۷۹: ۱۲۵). ضرب‌المثل‌های منظوم به دلایلی چند همواره مورد توجه شاعران و خوانندگان شعر بوده است از جمله: ایجاز و اختصار، آوردن معانی بلند در شعر، جامع‌الاطراف بودن، تطابق ضرب‌المثل و شعر در مورد مطلب مورد نظر، سهولت حفظ شعر، سرعت انتشار شعر، سرعت انتقال معنی، قدرت جذب افکار و گرایش فطری مردم به شعر (منصور مؤید، ۱۳۷۳: ۸). سعدی تبحر بسزایی در بیان ارسال‌المثل‌هایی که غالباً متضمن نکته اخلاقی و حکمی است دارد. با تأمل در اشعار سعدی آشکار می‌شود که وی از ضرب‌المثل و حکمت‌های عام برای اندیشه‌های والای خود بهره برده است. سعدی با بیان این مثال‌های ملموس و قابل فهم به مخاطب خود

از هر قشر و طبقه‌ای نزدیک می‌شود و به این وسیله در پی ادای رسالت خاصی که برای خود برمی‌شمرد - یعنی پند و اندرز - برمی‌آید. این ارسال‌المثل‌ها حکایت از جنبه اجتماعی شعر سعدی دارد و این که سعدی تا چه اندازه به زندگی و تجربیات زندگی مردم توجه داشته است که برای نمونه چند مورد از آن ذکر می‌شود:

به غمخوارگی چون سرانگشت من نخارد کس اندر جهان پشت من
(سعدی، ۱۳۸۱: ۷۹)

مصراع اول قطعه زیر هم مثل سایر شده است:

علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد دریغ سود ندارد چو رفت کار از دست
به روزگار سلامت صلاح جنگ بساز وگرنه سیل چو بگرفت سد نشاید بست
(همان، ۱۳۷۵: ۷۴۷)

- اندک اندک خیلی شود و قطره قطره سیلی گردد، یعنی آنان که دست قوت ندارند سنگ خرده نگه می‌دارند تا به وقت فرصت دمار از دماغ خصم برآزند ...

اندک اندک به هم شود بسیار دانه دانه ست غله در انبار
(همان، ۱۳۷۷: ۱۸۱)

نباید سخن گفت ناساخته نشاید بریدن نینداخته
(همان، ۱۳۸۱: ۱۵۲)

مخور هول ابلیس تا جان دهد همان کس که دندان دهد نان دهد
(همان، ۱۴۹)

بخور تا توانی به بازوی خویش که سعیت بود در ترازوی خویش
(همان، ۸۸)

نتیجه

نتایج حاصل از این پژوهش را می‌توان چنین برشمرد:

پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. تشبیه یکی از کارآمدترین ابزارهای بلاغی‌ای است که سعدی به شیوه‌های مختلف برای تعلیم از آن بهره برده است و به این وسیله از خشکی، یکنواختی و ملال‌انگیزی‌ای که مشخصه بارز وعظ و اندرز صرف است کاسته است.

۲. بسیاری از تشبیهاتی که سعدی برای بیان مفاهیم تعلیمی در کلام خود به کار می‌برد، از نوع تشبیه بلیغ و در برخی موارد در قالب اضافه تشبیهی است و این گونه تشبیه‌ها در ایجاز و کوتاهی لفظ بی‌نظیر است.

۳. مشبه در بسیاری از تشبیه‌های سعدی ویژگی‌های مثبت یا منفی اخلاقی انسان‌هاست که سعدی مزایا و معایب آن‌ها را به یاری یک مشبه‌به ملموس و محسوس بیان کرده، مخاطب را بدان برانگیخته یا از آن نهی می‌کند.

۴. یکی از شیوه‌های بیانی سعدی در تعلیم کاربرد تمثیل‌های متعدد است که در پیام‌رسانی به مراتب بلیغ‌تر و کارآمدتر از تصریح است. غالب تمثیل‌های سعدی هم مانند تشبیهات وی ملموس و طبیعی است و ترکیب مشبه‌به از زندگی روزمره و عادی به عاریت گرفته شده است. سعدی در واقع با در پیش گرفتن این شیوه دایره مخاطب خود را در تعلیم به طرز آشکاری گسترش داده است.

۵. سعدی گاه در ارائه تمثیل با جابه‌جا کردن جای مشبه و مشبه‌به از شگرد بیانی خاصی استفاده می‌کند؛ به گونه‌ای که ابتدا به ذکر یک یا دو مثال می‌پردازد و با این کار توجه مخاطب را به طرز مؤثری به کلام خود معطوف کرده، ذهن او را برای دریافت معنای مورد نظر به تکاپو وا می‌دارد و همین تلاش ذهنی مخاطب است که تأثیر اندرز او را دو چندان می‌کند.

۶. سعدی در بیان تمثیل‌هایی اخلاقی خود تنها به ارتباط معنایی بین مشبه و مشبه نظر نداشته است بلکه به ارتباط میان الفاظ نیز توجه کرده، با رعایت تناسب‌های لفظی و هنری در این زمینه تمثیل‌های بدیعی آفریده است.

۷- سعدی با کاربرد تمثیل‌هایی که به واقعه‌ای تاریخی، آیه قرآن و ... تلمیح دارد، نکات اخلاقی مورد نظر خود را با بیان مثالی عبرت‌آموز از دل تاریخ یا قرآن برای مخاطب مستدل کرده، بر تأثیر آن می‌افزاید.

۸. تمثیل‌های تعلیمی سعدی گاه از زبان شخص دیگری که غالباً از منزلت اجتماعی و یا تجربه بالایی برخوردار است ذکر می‌شود و در واقع سعدی به این وسیله بر اعتبار کلام خود می‌افزاید.

۹. بسامد بالای ارسال‌المثل‌های اخلاقی در شعر سعدی حکایت از آن دارد که وی شاعری اجتماعی است و برای ابلاغ پیام‌های اخلاقی خود به زندگی عادی مردم نزدیک می‌شود و از آن در اشعار خود بهره می‌برد.

منابع

۱- قرآن کریم.

۲- ابن اثیر. (۱۴۲۲هـ). المثل السائر، ج ۲، بیروت: المكتبة العصرية.

۳- ابن جوزیه. (۱۴۱۰هـ). اعلام الموقعین عن رب العالمین، ج ۱، بیروت: دارالجلیل.

۴- ارسطو. (۱۳۷۱). رتوریک: فن خطابه، ترجمه چرخیده ملکی، تهران: اقبال.

۵- جرجانی، عبدالقاهر. (۱۹۹۱م). اسرار البلاغه، تعلیقات محمود محمد شاکر، قاهره: مطبعة المدنی.

۶- حسن‌لی، کاووس. (۱۳۸۱). شیرین‌تر از قند: بازنویسی و تلخیص بوستان سعدی، تهران: مؤسسه فرهنگی اهل قلم.

۷- رزمجو، حسین. (۱۳۸۲). انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

۸- زرین‌کوب، عبدالحسن. (۱۳۷۴). با کاروان حله، تهران: علمی.

- ۹- سعدی، مصلح بن عبدالله. (۱۳۸۱). بوستان، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
- ۱۰- ----- (۱۳۷۵). کلیات سعدی، تصحیح بهاء الدین خرمشاهی، تهران: ناهید.
- ۱۱- ----- (۱۳۷۷). گلستان، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
- ۱۲- شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۷۰). صور خیال در شعر فارسی، تهران: آگاه.
- ۱۳- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳). بیان و معانی، تهران: فردوس.
- ۱۴- علوی مقدم، محمد و رضا اشرفزاده. (۱۳۸۴). معانی و بیان، تهران: سمت.
- ۱۵- فشارکی، محمد. (۱۳۷۹). نقد بدیع، تهران: سمت.
- ۱۶- ماسه، هانری. (۱۳۶۴). تحقیق درباره سعدی، ترجمه محمد حسن مهدوی اردبیلی و غلامحسین یوسفی، تهران: توس.
- ۱۷- معرفت، محمد هادی. (۱۳۸۶). «امثال قرآن»، مجله تخصصی الهیات و حقوق، مشهد: وابسته به دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۲۶، ص ۴۴-۱۷.
- ۱۸- منصور مؤید، علیرضا. (۱۳۷۳). ارسال المثل در شاهنامه فردوسی، تهران: سروش.
- ۱۹- همایی، جلال‌الدین. (۱۳۸۵). فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: هما.
- ۲۰- یغمایی، حبیب. (۱۳۲۳). «گردشی در بوستان»، آموزش و پرورش، سال چهارم، ش ۱۰، ص ۵۳۰-۵۱۵.
- ۲۱- یلمه‌ها، احمدرضا. (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی اشعار تعلیمی فردوسی و حافظ، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، شماره یازدهم، دهاقان، دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۲۲- یوسفی، غلامحسین. (۱۳۷۰). فرخی سیستانی: بحثی در شرح احوال و روزگار شعر او، تهران: علمی.